

یادداشت
عباس اورنگ

نسل آینده چگونه ما را یاد خواهد کرد؟

بر کسی پوشیده نیست که بیشترین مطالبات جامعه از نهادهای حاکمیتی-علی‌الخصوص دولت دوازدهم- معطوف به حوزه رفاه و تامین اجتماعی است و پرواضح است که صندوق‌های بازنشستگی، بیشترین نقش را در حوزه رفاه و تامین اجتماعی ایفا می‌کنند. با این حال، لایحه پیشنهادهی بودجه سال ۱۳۹۷ و گمانه‌زنی‌های مرتبط با این موضوع از راهروها و کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی، نشان‌دهنده آن است که بین انتظارات و خواسته‌های مردم و دغدغه‌های دولت و خانه ملت، فاصله بسیار است. درحالی‌که سازمان تامین اجتماعی، به‌عنوان بزرگ‌ترین طلبکاران‌زهاد دولت، باید پاسخگوی محوری‌ترین مطالبات باشد و از طرف دیگر، مطابق قانون برنامه ششم، دولت باید ترتیبی اتخاذ کند تا مطالبات این سازمان طی دوره پنج‌ساله قانون برنامه ششم تسویه گردد، باز هم بایک حساب سرانگشتی، می‌توان محاسبه کرد که نه دولت و نه مجلس، هیچ کدام به تعهدات و قوانین موضوعه کشور در این زمینه، آن گونه که باید و شاید پایبند نبوده‌اند. گویی برخی مسئولان به دولت برای تسویه مطالبات سازمان تامین اجتماعی، راحت‌ترین مسیر را در پیش گرفته و آن هم دبه کردن به جای تادیه دیون است! درحالی‌که مطابق قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، دولت مکلف به پرداخت دیون خود به صندوق‌های بازنشستگی، با لحاظ نرخ اوراق مشارکت است. پس از گذشت سالیان متعددی از تصویب قانون مذکور، در کمال شگفتی برخی برای خود جایگاهی فراتر از اختیار تعیین‌شده در قانون اساسی در نظر گرفته و در منظر فقهای شورای نگهبان، عدم مشروعیت قانون ساختار نظام جامع را استدلال می‌کنند و در کمال ناپاوری، اذعان دارند که روزآمدسازی دیون دولت، جنبه ربوی دارد! این درحالی است که ضرورتی نداشت نهاددولت طی ادوار مختلف با پیشنهاد لوایح غیرکارشناسی، موجبات ایجاد دین بر ذمه خود را فراهم آورد و امروز در نقش طلبکار در این تنازع، برای خود حقی ماورای قانون قائل باشد. نکته جالب‌توجه اینکه در فرآیند تادیه مطالبات صندوق‌های بازنشستگی-از جمله تامین اجتماعی-همیشه با تعدادی پارادوکس مواجه هستیم. از یک سو، برخی معتقدند که فرآیند واگذاری‌ها به بخش خصوصی، غیرواقعی است و موجبات تقویت خصولتی‌ها فراهم می‌شود و به عبارتی ناصواب، سازمان تامین اجتماعی را در عداد خصولتی‌ها قلمداد می‌کنند و از طرف دیگر شنیده می‌شود که در سال ۱۳۹۶ مقرر است قسمتی از مطالبات دولت به تامین اجتماعی، از محل تهاتر اموال و دارایی‌های دولت صورت پذیرد. ای کاش مجلس و دولت، به جای اینکه به دنبال راههای ناصواب در راستای انکار دیون بر ذمه خود باشند، حداقل در رفتاری متهورانه و جسورانه، سرچشمه‌های ایجاد دیون جدید را مسدود می‌کردند و در زمینه بازپرداخت بدهی‌های معوق، قانون را سرحلوه قرار می‌دادند. دغدغه‌های محافل کارشناسی با حوزه سیاسی، فاصله بسیاری دارد و این نیز به‌طور ماهوی و ذاتی، ریشه در دو خاستگاه مختلف دارد. کارشناسان به افق‌های آینده می‌نگرند؛ درحالی‌که اغلب سیاستمداران، در زمان حال طی طریق می‌کنند. کارشناسان از عمق فاجعه ناشی از بحران‌های صندوق‌های بازنشستگی باخبر هستند، برخی سیاست‌ورزان و سیاست‌پیشگان، گویی توجهی به آیندگان ندارند. گویا آیندگان، افرادی هستند از جنس غیر و مستوجب عقاب همه سوت‌تپیرهای ما؟ نسلی که با استفاده ناصواب از آب‌های زیرزمینی، منابع معدنی و نفت و گاز آینده را برایشان به خطر انداختیم و امروز می‌خواهیم همین رفتارهای متهورانه را در قبال صندوق‌ها تکرار کنیم تا تنها گناهشان این باشد که فرزندان و نوادگان نزدیک بین و مردان و زنان خودخواهی هستند که به‌جز فاصله اندکی از بینی خود را ندیدند؛ جالب اینکه در مقام ادعا، خود را در شمار دلسوترین پدران و مادران در عرصه گیتی قلمداد می‌کنیم! شاید آن روز، یکبار دیگر این جمله تکرار شود: «به کدامین گناه؟ پدر، مادر، ما متهمیم!»

کارشناس تامین اجتماعی

ایرانول، رتبه اول فروش روغن موتور را کسب کرد

سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، در گزارشی شرکت ایرانول - از شرکت‌های تابعه شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی - را برترین شرکت در زمینه رشد فروش روغن موتور انتخاب کرد. این گزارش، درباره وضعیت تولید، توزیع و قیمت روغن موتور در ۹ ماهه امسال منتشر شده که براساس آن، ایرانول رشد تولید ۹ درصدی داشته و در زمینه توزیع و فروش روغن نیز با رشدی ۱۱ درصدی، تنها شرکتی است که عملکرد مثبتی در مدت یادشده داشته است.

۰۶ | کتینه نو

باز این چه شیوه است؟

یادداشت
فاطمه رحیمی

مقوله صندوق‌های بیمه اجتماعی، از محوری‌ترین مسائل کشور است. آمار و ارقام پیش رو، حاکی از تداوم روند عدم تعادل منابع و مصارف، عدم تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌ها، عدم پایداری مالی، افزایش سرسام‌آور بدهی‌های دولت، تحلیل ذخایر درمان، فشار به سازمان برای افزایش هزینه‌کرد بعضا حمایتی بدون تامین بار مالی معادل بوده است. در عین حال نیز دردورانی غفلت از مبانی علمی، حرفه‌ای و حقوقی بنا به ماهیت، ملاحظات و مقتضیات ویژه سازمان تامین اجتماعی و برهم‌خوردن انسجام ساختاری و مالی سازمان، علاوه بر مداخلات مرتربه و روند هم‌افزای چالش‌ها، موجب درهم‌تیدگی مسائل در فضای ملی شده است. برون‌رفت از چالش‌ها، نیازمند درک پیچیدگی‌های محیطی، آثار تصمیمات دولت و مجلس بر سازمان، تاثیر متقابل متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی، ماهیت وجوہات و توجه به حفظ منافع ذی‌نفعان، بسط گفتمان در حوزه‌های مدنی و حاکمیتی و ایجاد باور در سیاست‌گذاران و ضرورت اصلاحات در نظامات و مناسبات داخلی و برونی سازمان است. دستیابی به این مهم، نیازمند تصمیمات هوشمندانه، بخردانه و به‌هنگام در قالب راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است تا پایداری و حیات سازمان تامین اجتماعی، با جلب بیشترین میزان حمایت قوای سه‌گانه، ممکن شود. در غیر این صورت، با فرصت‌سوزی مشکلات به‌عنوان موضوعی فراگیر، سبب‌ساز بحرانی اجتماعی در آینده‌ای نه چندان دور خواهد شد. اخیرا و در فضای فعلی - که مصادف است با روزهای پسین‌بررسی لایحه بودجه سال ۹۷- ابرهام‌هایی درخصوص تشکیک رقم بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی مطرح شده است. این رقم، در سال منتهی به ۱۳۹۴ قریب به ۱۱۸ هزار میلیارد تومان اعلام شده و براساس صورت‌های مالی مصوب ارکان تصمیم‌گیر سازمان و با رعایت نص صریح قانون موضوع بند ۷ قانون جامع رفاه و تامین اجتماعی، مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۱ - که گفته مطالبات سازمان‌ها، صندوق‌ها و موسسات بیمه‌ای فعال در قلمروهای نظام تامین اجتماعی از دولت، بر مبنای ارزش واقعی روز و براساس نرخ مشارکت پرداخت خواهد شد- قطعی شده است.

لیکن گفته می‌شود اخیرا در یک ابرزایی کم‌سابقه، این رقم با کاهش ۳۲ درصدی از کل بدهی دولت به سازمان، بدون طی مسیر قانونی و صرفا به استناد نظریه ابرازی سازمان حسابرسی کشور، مبتنی بر تعدیل ارزش واقعی روز مطالبات مطرح شده است. بدون تردید، این شیوه ابرزایی مغایر با نص صریح قانون است؛ چرا که هر ساله صورت‌های مالی سازمان تامین اجتماعی، با رعایت مفاد اساسنامه سازمان، حسابرسی و بازرسی می‌شوند و در نهایت با تایید هیئت نظارت به تصویب هیئت امنای تامین اجتماعی می‌رسد. قابل توجه اینکه همواره رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر اقتصاد و دارایی، از اعضای هیئت مزبور، علاوه بر برخی دیگر از اعضای دولت هستند. این موضوع، در شرایط کنونی



کارشناس تامین اجتماعی

یادداشت
رضا کاشف

با گذشت ۶۵ سال از تصویب قانون بیمه اجتماعی کارگران، مسیر تکامل اجتماعی مفاهیم و تعاریف بیمه در جامعه، نشان می‌دهد که آحاد افراد جامعه، امروز به لزوم بهره‌مندی از این خدمات اجتماعی آگاهی پیدا کرده و این موضوع، وظایف دولت‌ها را به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه، سنگین‌تر کرده است. تفکرات بورژوازی و نوسرمایه‌داری - که در طول یک قرن اخیر، همواره با عینک بدبینی به بسط و توسعه خدمات تامین اجتماعی و بهره‌مندی کارگران از یکیک اقتصاد، نظاره می‌کرده‌اند- امروز در قالب‌های جدید و متمدنانه بروز و ظهور یافته و مناسفانه با تجارب حدود ۳۰ ساله در برخی کشورها و تحمیل هزینه‌های اجتماعی بسیار به آن جوامع مسیر تفکرات، دچار اصلاحات اساسی شده؛ به‌گونه‌ای که بانک جهانی از طرح نقش تامین اجتماعی به عنوان یکی از موانع خصوصی‌سازی، تعبیر نگارش داده و با طرح نظریه تامین اجتماعی چندلایه، از کفایت مزایای تامین اجتماعی و حتی مستمری اجتماعی دفاع می‌کند. چرا باید بر اهمیت این تعبیر دیدگاه در نهادهای جهانی سرمایه‌گذاری تاکید کرد؟ چون روند واقعی اتفاقات در جهان، نشان داده است که خصوصی‌سازی تامین اجتماعی، منجر به کاهش قدرت خرید مستمری‌گیران شده و لزوم برقراری مستمری اجتماعی توسط دولت‌ها، عیان شده است. به عبارت دیگر، هرچه ادبیات اقتصادی خصوصی‌سازی تامین اجتماعی، در باب افزایش پیش‌پا انداز ملی، و امکان افزایش مصرف در دوره‌های بعد (تاخیر در مصرف دوره اشتغال به دوره بازنشستگی) تدوین شده بود، هزینه‌های موردنیاز برای پرداخت مستمری‌های اجتماعی و حفظ حداقل استانداردهای زندگی و قدرت خرید مستمری‌گیران، قابل مقایسه نبود و لذا در بسیاری از کشورها، سیاست برگشت از خصوصی‌سازی، در دستورکار قرار گرفت. حال سوال اینجاست که تفاوت تامین اجتماعی خصوصی و عمومی در چیست؟ و چرا باید دولتمردان و سیاستمداران را نسبت به مقوله تامین اجتماعی از ساده‌انگاری بیش از حد در بررسی مسائل این حوزه بازداشت؟ به زبان ساده، مهم‌ترین تفاوت تامین اجتماعی خصوصی و عمومی، نحوه توزیع ریسک و انتقال آن بین افراد و دولت است. در تامین اجتماعی خصوصی، تمام ریسک، به‌فرد بیمه‌شده منتقل شده و لذا طبق حق بیمه‌های پرداختی و از قبل تعیین‌شده، نسبت به دریافت مزایا اقدام می‌کند. در تامین اجتماعی عمومی، این ریسک بین افراد مختلف توزیع شده و همه نسبت به دریافت مزایای از پیش تعیین‌شده، اطمینان حاصل می‌کنند و ریسک ناشی از کمبود منابع برای پرداخت مزایا، به عهده حامی طرح (عموما دولت‌ها) عموما گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر، حامی طرح نسبت به تامین مایه‌التفاوت منابع و مصارف طرح تامین اجتماعی مسئولیت دارد. می‌توان از این منظر، پرداخت‌های انتقالی دولت را در بودجه‌های سنواتی برای صندوق بازنشستگی کارکنان دولت و نیروهای

سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، در گزارشی شرکت ایرانول - از شرکت‌های تابعه شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی - را برترین شرکت در زمینه رشد فروش روغن موتور انتخاب کرد. این گزارش، درباره وضعیت تولید، توزیع و قیمت روغن موتور در ۹ ماهه امسال منتشر شده که براساس آن، ایرانول رشد تولید ۹ درصدی داشته و در زمینه توزیع و فروش روغن نیز با رشدی ۱۱ درصدی، تنها شرکتی است که عملکرد مثبتی در مدت یادشده داشته است.

دولت، فرصت زیادی ندارد!

مسئح، توجه کرد. بنابراین، نخستین مسئولیت دولت در طرح‌های تامین اجتماعی، موضوع تامین کسری بودجه تراز تعادلی بلندمدت صندوق‌های بازنشستگی -از جمله تامین اجتماعی- خواهد بود. و هرگونه قصور و تاخیر در این وظیفه، موجب پیامدهای جدی اجتماعی و امنیتی خواهد شد. از طرف دیگر، طبق قانون تامین اجتماعی و قوانین مصوب بعدی در طول دهه‌های بعد، دولت خود را مکلف به پرداخت بخشی از حق بیمه کارفرمایان، علاوه بر سهم سهم‌رصدی قانونی خود کرده است. که این مبالغ، طبق ماده ۵۲ باید صرف اجرای طرح‌های قانونی شده و مازاد آن، باید صرف سرمایه‌گذاری برای حفظ ارزش دارایی‌ها و ذخایر شود. این ذخایر، به دلیل جوان‌بودن صندوق، به مرور افزایش پیدا کرده و طبق ماهیت بیمه‌های اجتماعی، در دوره‌هایی نیز دچار کاهش می‌شود و از این طریق، در تعادل بلندمدت صندوق، به عنوان یک عامل موازنه رفتار می‌کند.

عدم پرداخت بدهی‌های دولت به صندوق تامین اجتماعی و هر نوع تاخیر در بازپرداخت بدهی‌ها از دو طریق بر تعادل بلندمدت صندوق تاثیر خواهد گذاشت: نخست، فرصت سرمایه‌گذاری‌های جدید و خلق منابع جدید از دست‌رفته است. دوم اینکه این منابع، صرف پرداخت مستمری‌ها به قیمت روز شده و در طول زمان، مستمری‌ها طبق قانون، متناسب با تورم، افزایش پیدا کرده است. راه جبران این نقیصه، در قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، مصوبه سال ۱۳۸۳ طراحی شده که اگرچه بسیار ساده نگاشته شده و قابلیت پویایی ندارد، اما توانسته است بخشی از مشکل تاخیر در بازپرداخت بدهی‌ها را حل کند. در قانون مزبور، بازپرداخت بدهی‌ها بر اساس نرخ سود اوراق مشارکت، پیش‌بینی شده است. در حالی که این نرخ، باید به نرخ تنزیل تامین‌کننده تعادل بلندمدت صندوق هماهنگی داشته باشد. مطالعات اکچنوریال نشان می‌دهد که تمام متغیرهای تعدیل‌کننده سازمان، درحال نزول بوده و تعهدات آتی سازمان، با سرعت زیادی در حال صعود است. در عین حال، پیش‌بینی می‌شود نرخ سود اوراق مشارکت، در طول سال‌های آتی، کاهش پیدا کند. لذا، حتی بازپرداخت بدهی‌های دولت با نرخ سود اوراق مشارکت -چه به صورت ساده چه به صورت مرکب- نه تنها تراز تعادل بلندمدت را بهبود چندانی نخواهد داد، بلکه افزایش نرخ حق بیمه را نیز ضروری خواهد ساخت. مطالعات نشان می‌دهد که در صورت تداوم وضع موجود، طی ۱۵ سال آینده حداقل باید ۱۰ درصد بر نرخ حق بیمه موجود، اضافه شود تا صندوق بتواند نسبت به تعهدات آتی، پایدارى داشته باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از مضل آتی صندوق، علاوه بر پرداخت ارزش فعلی بدهی دولت به صورت مرکب، واگذاری سایر دارایی‌ها در قالب کمک‌ها و هدایاست. بحرانی که در صورت وقوع، مختص دولت نبوده و کل حاکمیت را درگیر می‌کند. بنابراین لازم است دولت از نگاه کوتاهمدت دوری جسته و در یک افق حداقل ۱۵ ساله، طرح واگذاری سایر دارایی‌های مولد به تامین اجتماعی را در دستورکار قرار دهد.

کارشناس حوزه رفاه و تامین اجتماعی

سفارت ایران در مسقط، مقدمات لازم برای گسترش سرمایه گذاری برون مرزی تامین اجتماعی را فراهم می کند

ورود شستابه بازار عمان

پایاند و در کارخانه‌های سیمان بهبهان، خاش، چابهار و خوزستان، تا سقف ۳۰ درصد سرمایه‌گذاری کنند. مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری شستا، در این دیدار به برخی ظرفیت‌ها و امکانات شستا نیز اشاره کرد و گفت: «در حوزه دارو، حدود ۲۴ درصد سهم کشور، متعلق به شستا است و در حوزه عمران و سدسازی، امکان همکاری‌های ارزشمندی میان دو کشور وجود دارد. لطفی، اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های موفق عراق و دیگر کشورهای عربی را تجربه‌ای ارزشمند و در دسترس دانست که می‌توان مشابه آن را در بازار عمان نیز تکرار کرد. لطفی، با تشریح دیگر توانمندی‌های اقتصادی مجموعه شستا اظهار کرد: «شستا، در حوزه پتروشیمی، از متانول تا پی‌پی‌سی و اوره و آمونیاک و ... را از نفت تولید می‌کند. در حوزه حمل‌ونقل دریایی، شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را در اختیار دارد و می‌تواند کلینکر، سیمان و دیگر محصولات تولیدی را به راحتی به کشور مقصد

انتقال دهد. علاوه بر این، در حوزه معدن نیز زمینه‌ها برای گسترش سرمایه‌پذیری مشترک، فراهم است.» سفیر جمهوری اسلامی ایران در عمان نیز با اشاره به جایگاه رفیع ایران برای عمان گفت: «ایران، در مسائل سیاسی و روابط دوجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای، روابط حسنه‌ای با کشور عمان دارد. همچنین، در عرصه همکاری‌های اقتصادی نیز مرادات دو کشور، در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد.» محمدرضا نوری‌شاهوردی، سیر همکاری‌های اقتصادی دو کشور را رو به صعود توصیف کرد و افزود: «هم‌اینک بانک‌های دیگر توانمندی‌های اقتصادی عمان است- خواستار گسترش همکاری‌های اقتصادی است و حتی برای شرکت‌های ایرانی مطرحی مانند فولاد مبارکه، فولادخوزستان و ذوب‌آهن اصفهان هم حساب‌هایی باز کرده و شرکت ایران خودرو نیز موفق شد مجوزهای فروش دو خودروی «دنا» و «رانا» در این کشور را کسب کند.»

وی با بیان اینکه سال گذشته، ۳۷ هزار و در سال جاری نیز ۴۵ هزار ویزا برای ایرانیان در کشور عمان صادر شده، افزود: «کشور عمان، ظرفیت‌های خوبی در زمینه صادرات دارو، غلات، میوه، شایلات، و خدماتی مانند ثبت شرکت‌ها، حساب‌های بانکی، اخذ ویزا، دارد و به راحتی می‌توان روابط تجاری و فعالیت دوجانبه را گسترش داد.» نوری‌شاهوردی با بیان اینکه در حوزه‌های سیمان و کلینکر، فعالیت‌های گسترده‌ای در دست اقدام است، حذف تعرفه‌های گمرکی در عمان را یکی از امتیازهای اصلی سرمایه‌گذاری در این کشور دانست. وی تصریح کرد: «عمان تاکنون با ۱۷ کشور بر سر حذف تعرفه‌ها به توافق رسیده است. به همین دلیل، چنانچه با ایران نیز بر سر تعرفه صفر توافق کنند، می‌توان از این فرصت برای همکاری‌های مشترک در حوزه‌های نفتی، پروژه‌های ساختمانی، سرمایه‌گذاری مشترک و یا لایشگاه‌ها، سلامت و دارو، ماشین‌آلات و ... استفاده کرد.»



یکشنبه ● اول بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هشت

ویس شتره

مطالبات تامین اجتماعی

A T I V E H N O